

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

١٩٤١٥

۸۷/۱۱۰۷۰۰۲  
۸۷/۱۲/۱۱



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت حق تعالی از دیدگاه فلوطین و ملاصدرا

توسط:

زهرا رستاخیز قصر الدشتی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر لاله حقیقت

کتابخانه ادبیات و علوم انسانی  
شیراز

شهریور ماه ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۱۵

۱۰۹۴۱۵

به نام خدا

صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت در مرتبه ذات از دیدگاه فلوپین و ملاصدرا

به وسیله‌ی

زهرا رستاخیز قصر الدشتی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی  
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

فلسفه و حکمت اسلامی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

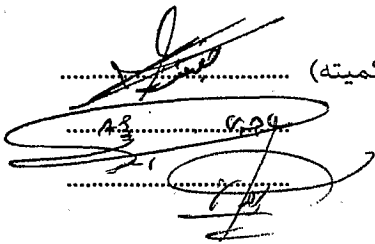
ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:

دکتر لاله حقیقت، استادیار بخش الهیات و معارف اسلامی (رئیس کمیته)

دکتر علیمحمد ساجدی، استادیار بخش الهیات و معارف اسلامی

دکتر سعید رحیمیان، دانشیار بخش الهیات و معارف اسلامی

شهریور ماه ۱۳۸۷



تقدیم به

روح پاک و عالیقدر فیلسوف عارف،

افلوپین،

که مطالعه آثارش، حلاوتی را نصیبم کرد

که تا به حال

تجربه نکرده بودم

## سپاسگزاری

سپاس بی‌پایان بر خدای بخشنده و مهربان که مرا در دریای لطف و جود بی دریغش وارد ساخت و بر من منت نهاد تا رساله‌ای با نام او و در جهت شناخت بیشتر او بنگارم.

سپاس تو را به آن خاطر که اساتید دلسوز و عالمی همچون سرکار خانم لاله حقیقت (استاد راهنما)، جناب آقای دکتر علیمحمد ساجدی و جناب آقای دکتر سعید رحیمیان، نصیبم کردی؛ تا مرا در بن بست‌ها و ظلمت‌های حیرت و سرگردانی، هدایت کنند.

سپاس تو را به آن خاطر که فرشته‌ای به نام مادر در کنارم قرار دادی که به حق همانند نامش، فرشته است، تا معجزه آسا یأس‌ها و ناامیدی‌هایم را با قدرت ایمانش به امید و روشنایی و غم‌ها و ناراحتی‌هایم را با تماشای نور دیدگانش به شادی و شرف مبدل سازد.

سپاس تو را به خاطر پدری مهربان که با محبت‌های بی‌کرائش همیشه در کنارم بود.

سپاس تو را به خاطر همسری که گفتارش در خستگی‌ها، تسکین خاطر من بود.

و سپاس تو را به خاطر تمام نعمت‌های زیبایی که از آن من ساختی، اگرچه لایق آنها نبوده‌ام

## چکیده

بررسی صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت حق تعالی از دیدگاه فلوپتین و ملاصدرا

به وسیله‌ی:

زهرا رستاخیز قصر الدشتی

با توجه به تأثیر آرا و اندیشه‌های فلوپتین بر نظریات فلسفی ملاصدرا، برآنیم تا ریشه‌های تفکر فلوپتینی را در نظریات صدر الدین محمد بن ابراهیم شیرازی که از مشاهیر فلسفه اسلامی به شمار می‌آید در باب مهم‌ترین موضوعات فلسفه که عبارت است از صفات ذات: وحدت، علم، اراده و قدرت حق تعالی، بررسی کنیم. برای رسیدن به این مهم، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تا حدی تاریخی (ناظر به تاریخ فلسفه)، ابتدا نظریات این دو فیلسوف را در باب صفات ذات: وحدت، علم، اراده و قدرت واجب تعالی در کتب مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار داده، در نهایت به مقایسه و تطبیق آرای ایشان پرداخته ایم، که به اجمال نتیجه این مقایسه را می‌توان چنین بیان کرد: ملاصدرا در اثبات این صفات از برخی آرای فلوپتین بهره برده است. به عنوان نمونه: در بیان قاعده بسیط الحقیقه کل الأشياء و لیس بشیء منها، وحدت تشکیکی وجود و مراتب موجودات، اثبات وحدت از طریق نفی ترکیب و اثبات بساطت ذات حق، اثبات اراده در مرتبه ذات حق تعالی از راه اثبات نخستین و خیر محض بودن ذات او، اثبات قدرت ذات واجب تعالی از طریق اثبات نهایت کمال و شدت قوت آن در ذات او. البته بیان این مطلب به این معنا نیست که ملاصدرا خود، در اثبات و توضیح این صفات، صاحب نظر نبوده است بلکه هر چند در بعضی نظریات از آرای فلوپتین بهره برده، اما استدلال‌های فلوپتین در بسیاری موارد به استحکام و قوت منطقی ملاصدرا نیست. البته ابتکار ملاصدرا در این است که مطالب نامنظم او را با ساختاری محکم، هماهنگ و منظم ساخته. اگرچه در بعضی موارد، خود او (ملاصدرا) نظریات و دیدگاه‌های جدیدی ارائه می‌دهد که در نظام فلسفی فلوپتین سابقه نداشته است. نظریاتی چون: عینیت صفت اراده و علم در مرتبه ذات حق، اثبات اراده حق تعالی در مرتبه ذات از طریق اثبات علم او به ذات خویش، اثبات علم حق به مخلوقات قبل از خلقت (به عنوان یکی از مراتب علم ذات) از طریق قاعده بسیط الحقیقه کل الأشياء، اثبات بساطت حق تعالی با نفی ترکیب از ذات او. لذا می‌توان به این مطلب اذعان کرد که ملاصدرا در برخی مباحث (آنچنان که اشاره شد) از آرا و نظریات فلوپتین بهره برده و در ضمن قبول آنها، به بسط و گسترش آنها پرداخته است.

**کلیدواژگان:** صفات ذات، وحدت، علم، اراده، قدرت، فلوپتین، ملاصدرا

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه: (طرح موضوع یا مسأله تحقیق) ..... ۲
- ۲-۱- پیشینه تحقیق ..... ۸
- ۳-۱- هدف تحقیق ..... ۱۰
- ۴-۱- روش تحقیق ..... ۱۱
- ۵-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۱۱
- ۶-۱- سؤالات تحقیق ..... ۱۲
- ۷-۱- فرضیه تحقیق ..... ۱۲
- ۸-۱- تعاریف مفهومی ..... ۱۳

### فصل دوم: بررسی صفات وحدت، علم، اراده و قدرت در مرتبه ذات از دیدگاه

#### فلوطین

- ۱-۲- وحدت ذات از دیدگاه فلوطین ..... ۱۶
- ۱-۱-۲- دلیل اول: نخستین بودن: ..... ۲۲
- ۲-۱-۲- دلیل دوم: بی نیازی نیک نخستین: ..... ۲۴
- ۳-۱-۲- دلیل سوم: اصل و منشأ هر کثرتی، واحد است ..... ۲۶
- ۴-۱-۲- دلیل چهارم: تولید حرکتی رو به بالا نیست ..... ۲۷
- ۲-۲- علم به ذات از دیدگاه فلوطین ..... ۳۰
- ۱-۲-۲- دلایل بر عدم وجود علم در مرتبه ذات واحد: ..... ۳۱
- ۱-۱-۲-۲- دلیل اول: وحدت حقه و حقیقی واحد با وجود علم برای او در تنافی است ..... ۳۱
- ۲-۱-۲-۲- دلیل دوم: بساطت «واحد» منافی وجود علم: ..... ۳۲
- ۳-۱-۲-۲- دلیل سوم: بسندگی و بی نیازی «واحد» مناط بی نیازی او از علم (معنای عام آن): ..... ۳۳
- ۴-۱-۲-۲- دلیل چهارم: اشرف بودن ذات علت از معلول ..... ۳۴

- ۳۷-۲-۲-۲- علم واحد به کثرات قبل از خلقت:.....
- ۳۹-۳-۲-۲- دلایل بر عدم علم «احد» به کثرات در مرتبه ذات (قبل از خلق):.....
- ۳۹-۱-۳-۲-۲- دلیل اول: وحدت حقه «احد» منافی با علم او به کثرات در مرتبه ذات.....
- ۴۰-۲-۳-۲-۲- دلیل دوم: بی نیازی «احد» منافی با علم او به کثرات در مرتبه ذات.....
- ۴۱-۳-۳-۲-۲- دلیل سوم: اشرف بودن ذات علت از معلول.....
- ۴۲-۳-۲-۳- اراده واحد در مرتبه ذات از دیدگاه فلوطین.....
- ۴۳-۱-۳-۲- دلایل بر عدم اراده (به معنای رایج آن) در مرتبه ذات واحد:.....
- ۴۳-۱-۱-۳-۲- وحدت محض واحد منافی وجود اراده در مرتبه ذات:.....
- ۴۴-۲-۱-۳-۲- بی نیازی و کمال واحد منافی وجود اراده در مرتبه ذات:.....
- ۴۵-۳-۱-۳-۲- عدم حرکت و تغییر در واحد منافی وجود اراده در مرتبه ذات:.....
- ۴۵-۴-۱-۳-۲- اشرف بودن ذات علت از معلول:.....
- ۴۶-۲-۳-۲- دلایل بر وجود اراده (به معنای مورد نظر فلوطین) در مرتبه ذات واحد:.....
- ۴۶-۱-۲-۳-۲- یکتایی و بساطت واحد:.....
- ۴۷-۲-۲-۳-۲- اولویت واحد (علت) بر کمالات معلولات.....
- ۴۸-۳-۲-۳-۲- کمال مطلق و احاطه احد بر تمام نیرویش:.....
- ۴۹-۴-۲-۳-۲- اراده، همان خواستن نیک است:.....
- ۵۰-۳-۳-۲- معنای اراده در مرتبه ذات «واحد»:.....
- ۵۲-۱-۳-۳-۲- شبهه اول:.....
- ۵۳-۲-۳-۳-۲- شبهه دوم:.....
- ۵۴-۳-۳-۳-۲- مسئله: آیا احد به ذات خویش اراده دارد؟.....
- ۵۶-۴-۳-۲- معنای اراده در مرتبه فعل واحد:.....
- ۵۸-۴-۲-۴- قدرت ذات از دیدگاه فلوطین.....
- ۵۹-۱-۴-۲- علم:.....
- ۶۰-۲-۴-۲- اراده و اختیار:.....
- ۶۰-۳-۴-۲- تشبیه قدرت واحد به نور:.....
- ۶۱-۴-۴-۲- تشبیه فیضان معلولات از احد به صدور خطوط از مرکز در شکل دایره.....
- ۶۵-۵-۴-۲- دلیل اول: تمامیت و کمال واحد دلیل بر قدرت اوست.....
- ۶۶-۶-۴-۲- دلیل دوم: تقدم علت «واحد» بر کمالات معلولات:.....
- ۶۷-۷-۴-۲- عینیت هستی و قدرت ذات واحد از دیدگاه فلوطین:.....



فصل سوم: بررسی صفات وحدت، علم، اراده و قدرت در مرتبه ذات از دیدگاه ملاصدرا

- ۳-۱- وحدت ذات واجب از دیدگاه ملاصدرا..... ۷۰
- ۳-۱-۱- مقدمه‌ای بر اصالت وجود:..... ۷۰
- ۳-۱-۲- وحدت و اقسام آن از دیدگاه ملاصدرا:..... ۷۳
- ۳-۱-۳- صرافت واجب تعالی دلیل بر وحدت ذات است..... ۷۷
- ۳-۱-۴- بساطت واجب تعالی دلیل بر وحدانیت ذات اوست..... ۸۱
- ۳-۱-۴-۱- دلیل بر نفی ترکیب از همه اجزا به طور کلی:..... ۸۱
- ۳-۱-۴-۲- دلیل بر نفی ترکیب از هریک از اجزاء (عقلی، تحلیلی، بالقوه ..)..... ۸۳
- ۳-۱-۴-۲-۱- نفی اجزاء بالقوه و مقداری از واجب تعالی..... ۸۴
- ۳-۱-۴-۲-۳- نفی اجزای تحلیلی از واجب تعالی:..... ۸۶
- ۳-۱-۴-۲-۴- نفی ترکیب از وجود و عدم از ساحت واجب تعالی..... ۸۷
- ۳-۱-۴-۳- تعدد واجب منافی بساطت ذات اوست..... ۸۸
- ۳-۲- علم به ذات واجب از دیدگاه ملاصدرا..... ۹۰
- ۳-۲-۱- علم و اقسام آن..... ۹۰
- ۳-۲-۲- علم واجب تعالی به ذات خویش..... ۹۱
- ۳-۲-۲-۱- دلیل اول: تجرد و صرف الوجود بودن ذات حق تعالی..... ۹۱
- ۳-۲-۲-۲- دلیل دوم: علت (واجب تعالی) کمالات معلول را در مرتبه‌ای بالاتر واجد است..... ۹۴
- ۳-۲-۳- علم واجب تعالی به ماسوی قبل از خلق..... ۹۵
- ۳-۲-۳-۱- کیفیت علم حق تعالی به اشیا در مرتبه ذات..... ۱۰۰
- ۳-۲-۳-۲- تشبیه علم حق تعالی به ماسوی در مرتبه ذات به ترسیم صور اشیا در آینه..... ۱۰۲
- ۳-۳- اراده واجب تعالی در مرتبه ذات از دیدگاه ملاصدرا..... ۱۰۳
- ۳-۳-۱- اراده ذات حق تعالی به ذات خویش از دیدگاه ملاصدرا..... ۱۰۳
- ۳-۳-۱-۱- عینیت صفت علم و اراده در مرتبه ذات از دیدگاه ملاصدرا..... ۱۰۶
- ۳-۳-۲- اراده واجب تعالی به افعال در مرتبه ذات از دیدگاه ملاصدرا..... ۱۰۷
- ۳-۳-۲-۱- عینیت علم و اراده در ذات واجب تعالی نسبت به افعال در مرتبه ذات..... ۱۰۸
- ۳-۴- قدرت واجب تعالی در مرتبه ذات از دیدگاه ملاصدرا..... ۱۱۰
- ۳-۴-۱- تعریف قدرت..... ۱۱۱
- ۳-۴-۲- دلیل اول بر قدرت ذات حق تعالی: علت العلل بودن و مبدئیت او بر افعالش است..... ۱۱۲
- ۳-۴-۲-۱- نامحدودی و نامتناهی بودن ذات واجب تعالی..... ۱۱۲
- ۳-۴-۲-۲- محال بودن دور و تسلسل در سلسله معالیل..... ۱۱۳

۳-۴-۳- دلیل دوم بر قدرت ذات حق تعالی، کمال مطلق و خیر محض بودن ذات واجب تعالی	۱۱۵
۳-۴-۴- عینیت صفت قدرت با ذات واجب تعالی	۱۱۶

### فصل چهارم: بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و فلوطین در مورد صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت حق تعالی

۴-۱- بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و فلوطین در مورد صفت وحدت ذات حق تعالی	۱۱۹
۴-۲- بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و فلوطین در مورد صفت علم واجب در مرتبه ذات	۱۲۲
۴-۳- بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و فلوطین در مورد صفت اراده در مرتبه ذات حق تعالی	۱۲۵
۴-۴- بررسی تطبیقی دیدگاه ملاصدرا و فلوطین در مورد صفت قدرت در مرتبه ذات حق تعالی	۱۲۸
۴-۵- جمع‌بندی	۱۳۱
فهرست منابع	۱۳۲
پیوست (زندگی‌نامه افلوطین)	۱۳۷

# فصل اول:

کلیات

## ۱- کلیات

### ۱-۱- مقدمه: (طرح موضوع یا مسأله تحقیق)

بحث صفات حق تعالی، از مهمترین مباحث طرح شده در طول تاریخ فلسفه است. اهمیت این بحث زمانی آشکار می‌شود که بدانیم، شرافت هر علمی به شرافت موضوع آن علم است و شریف‌ترین موضوع، مربوط به شریف‌ترین موجودات است و شریف‌ترین موجود در عالم هستی، ذات حق تعالی است. پس علم الهیات (خدانشناسی) در میان علوم از شرافت بیشتری برخوردار است و در میان مباحث مختلف الهیات، بحث صفات باری تعالی (از آن جهت که ما را به شناخت ذات او یاری می‌رساند)، از مهمترین مباحث این علم است.

به همین دلیل، فلاسفه در طول تاریخ به دنبال شناخت مبدأ عالم و شناخت صفات و ویژگی‌های او بوده‌اند. به عنوان نمونه فرض واقعیتی نامحسوس. «بی‌نهایت» (که البته عقاید درباره معنای این مفهوم چندان متفق نیست)، برای ارجاع کثرت پدیدارها، فرضی معقول است که آناکسیمندر آن را می‌پذیرد و دلیل خاصی نیز برای آن دارد. آن طور که از مکتوبات ارسطو برمی‌آید، به نظر طالس، «آب» و به عقیده آناکسیمنس، «هوا»، مبدأ همه اشیا است. فیثاغورس نیز مانند آناکسیمنس، هوای بی‌پایان که آن را تاریکی یا شب یا بخار نامیده‌اند، مبدأ کثرت می‌دانسته است. هراکلیتس افسسی نیز صدور اشیا و وجود را به آتش «آتشی همواره زنده»، باز می‌گردانده است.

کسنفانس نیز با احتیاط و بدون یقین به خدای یگانه، اعتقاد داشته است. پارمیندس نیز هستی را واحد و آن را ازلی و ابدی (به تعبیر خود او نازاییده و تباهی‌ناپذیر)، می‌دانسته است. همچنین «مثال خیر» افلاطون، فردی زنده بود که واجد همه صفات اصلی مُثُل بود. اما در اوج عالم ارسطو، یک مثال قرار نداشت، بلکه فعل ازلی فکر، واقع بود. خدای ارسطو (فکر محض)، فعل محض و قدرتی با قوت بی‌نهایت بود، اما صرفاً فعل محض یک «فکر» بود، لذا این فعل، در سلسله مراتب معرفت قرار گرفت، نه وجود. پس او «هست» نبود، چنانچه صاحب مشیت و علم نیز نبود. بنابراین

خدای یونانی و صفات اصلی او را می‌توان در یک جمله اینچنین تعریف کرد: او حقیقتی است غیر مادی، معقول و نامتغیر، که واقعاً هست.

در میان فلاسفه قرون وسطی و جدید (فیلسوفان بعد از دکارت) و معاصر، نیز آرا و نظریات مختلفی درباره خدا و صفات او مطرح است، که در ذیل به طور مختصر به آرای چند تن از آنان اشاره می‌شود.

قدیس اوگوستینوس (۴۳۰-۳۵۴م)، یکی دیگر از فیلسوفان قرون وسطی است. از نظر او، خداوند: سرمدی، خیر محض و وجود مطلق و ... است. مهمترین صفت خدا را، وحدت او می‌داند. او به عینیت صفات با ذات، قائل است. اوگوستینوس معتقد است، خداوند، تمام موجودات را در یک آن می‌شناسد و جهان را با عقل خود می‌آفریند و چون خداوند، وجود مطلق است، هیچ گونه تغییر و شدنی در آن ایجاد نمی‌گردد.

توماس آکویناس (۱۲۷۴-۱۲۲۴م)، فیلسوف و متأله مسیحی، معتقد است که تنها یک حقیقت وجود دارد و وجود خدا عبارت است از: اقیانوس نامحدود و بی کران وجود جوهری (ذاتی)، او (خدا) قوه اصلی هر یک از اشیا است و همه چیزهایی که شایسته عنوان «موجود» هستند، از او ناشی می‌شوند.

رنه دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶م)، فیلسوف فرانسوی، از جمله فیلسوفان جدید است. او با دو دلیل (از طریق تعقل موجود مطلق)، به اثبات وجود خداوند پرداخت. خدای دکارت، جوهری متفکر، نامخلوق و مستقل است، که بالطبع فطری نفس انسان است. یعنی موجودی است قائم بالذات، نامتناهی، قادر مطلق، واحد و بی مثل.

اسپینوزا (۱۶۷۷-۱۶۳۲م)، یکی از فیلسوفان قرون وسطی است. او فیلسوفی وحدت وجودی است، از نظر او، خداوند مجموعه عالم است، او خدا، را علت جاودان و لایزال اشیا می‌داند که بیرون از آنها نیست. اسپینوزا، صفات خدا را حقیقی نمی‌داند و قائل به تفسیر و تأویل آنهاست. علم و اراده به معنای رایج آن را، از خدا نفی می‌کند و اراده او (خدا) را عبارت از علل و قوانین اشیا، و درک او را عبارت از مجموع تمام قوای مدرکه، می‌داند. او قائل است تنها می‌توانیم، دو صفت از صفات خدا را بشناسیم، یکی بی انتها بودن (از راه مشاهده فضای بی کران) و دیگری، اندیشیدن (از اندیشیدن خودمان).

کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴م)، فیلسوف آلمانی و از مهمترین اندیشمندان اروپایی است (فیلسوف معاصر). چون از نظر کانت، خدا موجودی نیست که در صور ما تقدّم حساسیت یعنی مکان و زمان، ادراک می‌شود، او را نمی‌توان به واسطه مقوله علیّت به چیز دیگری نسبت داد. لذا وی نتیجه

می‌گیرد که خدا، یکی از تصورات محض عقل و قوه وحدت بخش عقل انسان است که خود شناخته نمی‌شود. بدینسان وجود خدا مبتدل به یک اصل موضوع می‌شود، که شناخته نمی‌شود. متکلمین و فلاسفه اسلامی نیز در طول تاریخ کوشیده‌اند، تا بعد از اثبات ذات حق تعالی، صفات او را در حد توان خویش، اثبات و تبیین نمایند. در این میان برخی طریق خطا و برخی طریق صواب را پیموده‌اند.

اشاعره (معروف به صفاتیون، اهل تشبیه)، قائلند که صفات واجب الوجود مانند: علم، قدرت، حیات، اراده و ...، اموری زاید بر ذات اویند. آنها می‌گویند، صفات الهی، معانی و مفاهیمی زاید بر ذات و قائم به ذات اویند، همان طور که صفت علم و قدرت و اراده و سایر اوصاف دیگر انسان، اموری زاید بر ذات و قائم به ذات اویند. کرامیه (اهل مجسمه)، از فرق اهل سنت و جماعت بودند. ایشان معتقد بوند، خداوند محلّ حوادث واقع می‌شود و صفات نیز اموری زاید بر ذاتند، که بر خداوند عارض می‌گردند و خداوند به آنها متصف می‌شود، و در عین حال این صفات حادثند، یعنی زمانی، خداوند فاقد آنها بوده و سپس به آنها متصف گشته است. این نظریه یکی از مبتذل‌ترین آرا در باب صفات خداوند است. معتزله و معتقدین به تعطیل ذات از کلیه صفات (معطله و اهل تعطیل)، نیز کلیه صفات را از ذات واجب تعالی، سلب می‌کنند و معتقدند به اینکه، فقط آثار آن صفات در ذات حق متحقق‌اند، به این معنا که، ذات واجب الوجود مثلاً فاقد صفت علم و اراده و قدرت است، ولی اثر علم و قدرت به جای علم و قدرت در ذات وی متحقق است. زیرا غرض از صفت علم و یا قدرت، همان اثری است که بر آنان مترتب است و با وجود اثر، نیازی به وجود صفت نیست. اما به عقیده ملاصدرا و حکمای الهی، ذات الهی منزله از تشبیه و تعطیل و غلو و تقصیر است. بلکه وجود حق تعالی که عین ذات و ماهیت اوست، عیناً به نفس ذات و حقیقت وجودیه خویش، مظهر جمیع صفات کمالیه است، بدون آنکه کثرت و انفعال و قبول و فعلی در ذات وی لازم بیاید.

پس از بیان مختصری از پیشینه بحث صفات حق تعالی، و اهمیت این موضوع در میان فلاسفه و متکلمان اسلامی و غربی، در این رساله برآنیم تا به مقایسه آرا و نظریات فلوطین و ملاصدرا در مورد صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت حق تعالی بپردازیم.

فلوطین و ملاصدرا دو فیلسوف بزرگ و نامدار زمان خود به شمار می‌آیند که نظریاتی بنیادی و اساسی در زمینه‌های مختلف فلسفی ارائه داده‌اند. فلوطین آخرین فیلسوف بزرگ یونانی است که فلسفه تازه و بزرگی بنیاد نهاد است که از حیث اثربخشی، همه فلسفه‌های پیشین، به جز فلسفه ارسطو. را تحت الشعاع خود قرار داده است و به موازات فلسفه ارسطو در فلسفه مسیحی و اسلامی نیز تأثیر بخشیده است. اتین ژیلسون نیز در کتاب روح فلسفه قرون وسطی، فلوطین را از فلاسفه

بزرگ یونان و بنیانگذار فلسفه نوافلاطونی می‌داند. (ژیلسون، ۱۳۶۶: ۶۰) فلوطین از تحقیقات جمیع دانشمندان سلف، به خصوص افلاطون بهره برده است. همچنین از آرای حکمای مشرق زمین هم استفاده کلی کرده است. با توجه به این مطالب است که فلوطین را از حکمای التقاطی شمرده اند. اودر قائل شدن به اقامیم سه گانه جمع میان نظر افلاطون، ارسطو و رواقیان کرده است، یعنی آنچه او مصدر اول خوانده است همان است که افلاطون آن را خیر مطلق نامیده و عقل را که ارسطو، مبدأ و منتهای کل وجود می‌داند فلوطین صادر اول و مصدر دوم شمرده است و نفس را که رواقیان پروردگار عالم می‌دانستند، فلوطین اقنوم سوم قرار داده است. با این همه مشخص است که فلوطین مردی صاحب نظر بوده است و با ذوق طبیعی خود، تحقیقات فلسفی را بسط کلی داده و حکمتی را تأسیس کرده که می‌توان نظیر حکمت افلاطون و ارسطو دانست. (فروغی، ۱۳۱۷، ۱: ۵۶) بخشی از اهمیت نظام فلسفی فلوطین به دلیل موقعیت تاریخی اوست، زیرا وی در نقطه‌ای ایستاده که محل التقای راه‌ها و جریانات مختلفی بوده، جریاناتی از قبیل: ارسطو گرایی (مشاء)، افلاطون گرایی (اشراق)، مسلک کلامی فلسفی فیلون، آرای فیثاغوریان، مذهب رواقی و ... و تأثیری از دیگر جریانات شرقی (هندی و ایرانی). او با بهره وری از نقاط مثبت هر جریان و با دقت و تحلیل حاصل خود و با کل نگری و یژه‌اش در تبیین حقیقتی که مراد اصلی فلسفه است تلاش کرده است. به نظر فلوطین نخستین وظیفه فلسفه این است که روح را به یاد سرچشمه ایزدیش بیندازد. (ورنر، ۱۳۵۶: ۲۲۰) فلوطین با سه عقیده معروف: مادیت، شکاکیت و ثنویت مبارزه کرده است.

به عقیده او، واقعیت یک امر معنوی و روحانی است و مادیت، حقیقت نیست و این واقعیت شناختنی، شک ناکردنی و یگانه است. در دید فلوطین هرچه این دنیا ویرانتر شود او به سرمنزل مقصود نزدیکتر می‌شود و سرمنزل مقصود، همان یگانه شدن او با واحد است. فلوطین حق حاکمیت عقل و خرد را در فلسفه دوباره احیا کرد. از نظر او، واحد، نخستین است. او اولین و آخرین است. همه چیز از اوست و به سوی او باز می‌گردد. اعجوبه‌ای است که حتی نمی‌توان گفت که «هست»، او برتر از هستی است و به هیچ صفتی متصف نمی‌شود و اگر به او واحد می‌گوییم به این دلیل است که باید در ضمن سخن به او اشاره کنیم. فلوطین می‌گوید: «نخستین» را تنها از راه دیدن می‌توان دریافت. واحد، گاه با نام «خدا»، «تیک» و گاه با نام «نخستین» خوانده می‌شود و همه چیز از او پدید می‌آید. در نوشته‌های فلوطین، بیش از هر چیز، از احد سخن رفته است - تا حدی که می‌توان گفت فلسفه او «احدشناسی» است. ولی شک گرایی یا انکار فلوطین در باب ظرفیت زبان و اندیشه برای رسیدن به واقعیت وصف ناپذیر احد، مهم‌ترین و جالب‌ترین وجه اندیشه فلسفی او به شمار می‌آید، چراکه از نظر او، طریق شناخت «احد» منحصر است به طریق تنزیه یا سلب صفات و بدین سان آنچه آن را خداشناسی تنزیهی می‌نامند، حاصل آمد. (وال، ۱۳۸۰: ۷۸۹)

او گاهی اوصاف ایجابی را هم به احد نسبت داده است، که البته در پاره‌ای از این موارد نسبت این اوصاف ایجابی به احد برای همان نتایج تنزیهی و بیان توصیف ناپذیری احد، ضرورت دارد. صفاتی چون: بساطت، نامتناهی یا مطلق بودن احد. از نظر فلوطین ما نمی‌توانیم بگوییم حقیقت احد چیست؟ و تنها می‌توانیم بگوییم که چه چیزی نیست. «با این همه از دانش او محروم نیستیم. هرچند او را به زبان نمی‌توانیم آورد. حال ما همچون حال مجذوبان خداست که می‌دانند چیزی در اندرون خود دارند، هرچند نمی‌دانند که آنچه دارند چیست ... او غیر از همه اینهاست و برتر از هستی‌ای است که به او نسبت می‌دهیم» (علی پور، ۱۳۸۵: ۷۰) به عبارتی، واحد فلوطین نه شناسنده است و نه شناختی، نه زنده است و نه دارای شخصیت، بلکه ذاتی است برتر از همه این تعینات. (گمبرتس، ۱۳۷۵: ۱۲۱۵) در آثار فلوطین قطعاتی را می‌یابیم که ما را به یاد بندهایی از منظومه «بهشت» دانته می‌اندازد و شاید هیچ نظیری در ادبیات نداشته باشد، توصیفی که وی از عالم ابدی می‌کند:

در خیال اوج گرفته ما زنده می‌کند  
آوای نرم نغمه پاکی را  
که در پای سریری یاقوت گون  
برای سروری که بر بالای سریر نشسته است  
سروده می‌شود. (رانسل، ۱۳۵۱، ۱: ۵۳۰)

فلوطین را می‌توان بزرگترین فیلسوفی دانست که از میان فلاسفه یونان در تفکر اسلامی تأثیر گذاشته است.

با وجود اینکه عقاید فلوطین به میان مسلمانان راه یافته است و در مکاتب مختلف نظیر «حکمت متعالیه» تأثیر گذاشته است، نام او ناشناخت مانده است. ملاصدرا از جمله فیلسوفان اسلامی است که در نظام فلسفی خویش از آرای فیلسوفان یونان و به ویژه نظریات فلوطین بهره برده است. درستی این مطلب را (تأثیر ملاصدرا از آرای فلوطین) با توجه به عناوین اشخاص و کتاب‌هایی که صدرالمتألهین به آنها استناد کرده می‌توان اثبات کرد. در میان منابع مورد استفاده ملاصدرا، کتاب‌های ترجمه شده از حکمت یونان، خصوصاً اثولوجیا را می‌توان مشاهده کرد که به اشتباه آن را منسوب به ارسطو می‌دانسته و لذا بارها و بارها او را به دلیل تألیف این کتاب ستوده است و با شگفتی از نور عقل و قوت عرفان و عظمت مقام او در حکمت الهی یاد می‌کند. (فما اشدّ نور عقله و قوه عرفانه و ما اشمخ مقامه فی الحکمة الالهیة و اعلی مرتبه) (انتظام، ۱۳۷۷: ۱۱)، (سخن او به پایان رسید، پس نور عقل و عرفان او چه قوی است و مقام او چه ممتاز است در حکمت الهی و مراتب عالی آن). ملاصدرا می‌گوید: صاحب اثولوجیا عارفی الهی، واصل به مقامات والای معنوی و



بهره مند از کشف و شهود و علم حضوری است و از این حیث او را با خود همدل و همسخن و همشیوه می‌یابد و از میان همه فیلسوفان قبل و بعد از اسلام نوعی هماهنگی با او احساس می‌کند. به هر حال ملاصدرا در برخی از مباحث مهم فلسفی خود از آرای این فیلسوف بزرگ بهره برده است. مباحثی چون: وحدت تشکیکی وجود و مراتب موجودات، اثبات وحدت و بساطت ذات حق تعالی و بیان قاعده «بسیط الحقیقه کل الأشیاء و لیس بشیء منها، تبیین چگونگی صدور کثیر از واحد (فیض و صدور از واحد بدون کاستی در مرتبه ذات او)، حرکت و حدوث عالم (که در مبحث جواهر و عراض در اسفار، ملاصدرا برخی از کلمات آن راه، حمل بر حرکت جوهری نموده است) و ... البته ملاصدرا در بیان این مباحث تنها به آرای فلوطین بسنده نکرده بلکه خود نیز در این مقال صاحب نظر بوده است. برای روشن شدن این که ملاصدرا در چه مباحثی وامدار فلوطین است و در کدام مباحث، خود به ابتکار و نوآوری پرداخته است، و با توجه به موضوع پایان نامه یعنی صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت، به ذکر مواردی در همین حوزه می‌پردازیم. در مبحث وحدت ذات، فلوطین و ملاصدرا هر دو، وحدت حقه و حقیقیه واجب تعالی را از طریق اثبات بساطت و صرافت ذات او، نتیجه می‌گیرند. لذا می‌توان گفت، ملاصدرا مبنای دلایل خود را بر اثبات وحدت ذات حق تعالی از فلوطین اخذ کرده است اما این به معنای نفی ابتکار و خلاقیت ملاصدرا در این مبحث نیست چراکه گفتار فلوطین در این مبحث نامنظم و بدون ترتیب است. ابتکار ملاصدرا در این است که مطالب نامنظم را با ساختاری محکم، هماهنگ ساخته است، به طوری که خواننده را به تعجب وادار می‌دارد. در بحث علم واجب به ذات خویش، هرچند فلوطین و ملاصدرا هر دو خدا را عالم می‌دانند، لیکن ملاصدرا به طور واضح و مشخص، از تجرد ذات حق از ماده بر آن (علم واجب تعالی به ذات خویش) استدلال می‌کند. در حالی که فلوطین به استدلال بر نفی علم امکانی از ذات احد اکتفا می‌کند و دلیل مشخصی بر وجود علم به معنای مورد نظر خویش (نوعی علم حضوری = تماس بی واسطه با خویشتن) اقامه نمی‌کند. اما در حوزه علم واجب تعالی به کثرات قبل از خلق که یکی از مراتب علم ذات حق محسوب می‌شود، ملاصدرا برخلاف فلوطین از قاعده «بسیط الحقیقه کل الأشیاء» بهره می‌برد و معتقد است، چون ذات حق تعالی بسیط و صرف است جامع جمیع موجودات و کمالات آنهاست بنابراین در مرتبه ذات به آنها علم دارد و این علم، علم اجمالی در عین کشفی تفصیلی است. این در حالی است فلوطین دلیل و برهان خاصی بر علم احد به کثرات در مرتبه ذات اقامه نمی‌کند. البته این به معنای سلب علم به طور مطلق از احد نیست چراکه با مطالعه دقیق در کتب فلوطین مشخص خواهد شد که از نظر او، علم به معنای رایج و انسانی‌اش از ذات حق تعالی سلب می‌شود نه مطلق علم. در بحث اراده واجب تعالی در مرتبه ذات، ملاصدرا بر عینیت صفت علم و اراده تأکید می‌ورزد و اصلاً از طریق اثبات علم واجب تعالی در

مرتبه ذات، اراده او را نتیجه می‌گیرد. اما در مورد اراده حق تعالی به ذات خویش، ملاصدرا مانند فلوطین از نخستین بودن و خیر محض بودن ذات حق بر اراده او به ذات خویش استدلال می‌کند. همچنین ملاصدرا نیز مانند فلوطین از شدت و نهایت کمال ذات حق تعالی و وحدت ذات او، به اثبات قدرت در مرتبه ذات می‌پردازد. بنابراین، هرچند ملاصدرا در نظام فلسفی خود (حکمت متعالیه) به منابع و کتب بسیاری استناد کرده است، اما در هر حال او نیز نظام معرفتی و فلسفی بنیان کرد که در نظام‌های فکری قبلی سابقه نداشته است و از جایگاه نوین و ارزش والایی برخوردار بوده است. حکمت متعالیه که حاصل بررسی‌ها و پژوهش‌ها و مکاشفه‌های صدرالمتألهین شیرازی است، فلسفه‌ای است برتر از حکمت مطلقه، به سبب اعتماد نکردن بر استدلال‌های عقلی محض و تکمیل کردن آنها از طریق کشف و ذوق. یعنی تحصیل معرفت از منابع سه گانه: برهان، کشف و وحی (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۴) صدرالمتألهین، با روشی نو و با استفاده از توانایی‌های ذاتی خود، تمام اندیشه‌های فلسفی و عرفانی و کلامی موجود در زمان خود را پس از غربال با برهان و شهود و با نوآوری‌های شخصی و مجموعه‌ای عظیم از معارف قرآنی و روایی ترکیب کرد و همه آن اندیشه‌ها را در قالبی واحد با ساختاری منظم به جویندگان علم و حقیقت عرضه داشت. دقت در مبانی تفکر و اندیشه این حکیم بزرگ و تأمل در لایه‌های درونی حکمت متعالیه و حتی دقت در لایه‌های ظاهری آن، پژوهشگر را با چنان معرفت منسجم و هماهنگی روبه رو می‌سازد که شگفتی و حیرت و تحسین خود را از این همه توفیق نمی‌تواند پنهان دارد. (انتظام، ۱۳۷۸: ۵۰)

با توجه به عنوان پایان نامه (صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت واجب تعالی) و مطالب مذکور، جهت درک بنیادی و عمیق صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت واجب تعالی در نظام فلسفی صدرا (حکمت متعالیه) که بزرگترین و مهم‌ترین منبع فلسفه اسلامی محسوب می‌شود، آشنایی با اندیشه‌ها و آرای فلوطین ضروری می‌باشد.

## ۱-۲- پیشینه تحقیق

تا به حال تحقیقی با عنوان صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت حق تعالی از دیدگاه فلوطین و ملاصدرا ارائه نشده است، البته تحقیقات بسیار اندک و معدودی در بررسی نظریات فلوطین انجام شده است که عبارتند از:

- ۱- تبیین نظریه فاعلیت وجودی فلوطین و ارزیابی آن از دیدگاه ملاصدرا، نوشته سعید رحیمیان به راهنمایی محسن جهانگیری از دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷

این رساله به تبیین نظریه فیض به عنوان پاسخی به مشکل نحوه ارتباط بین مبدأ متعال به ماسوی و مخلوقات و نیز ویژگی‌ها و ارکان این نظریه و نحوه پاسخگویی آن به سؤالات اساسی در مورد ارتباط خداوند با مخلوقات می‌پردازد.

۲- بررسی مفهوم خدا و الوهیت در اقانیم سه گانه و فلسفه فلوطین، نوشته جلال جلیوند به راهنمایی دکتر نصر الله حکمت از دانشگاه شهید بهشتی، رساله مقطع کارشناسی ارشد، بهمن ماه ۱۳۷۹.

در این رساله، صفات خداوند به طور مختصر از دیدگاه فلوطین در چهار صفحه نگاشته شده و سایر اقانیم مانند عقل و نفس نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- اثولوجیا و حکمت متعالیه صدرالمآلهین، نوشته سید محمد انتظام به راهنمایی حسن سعادت مصطفوی، رساله مقطع دکتری (رشته فلسفه تطبیقی)، دانشگاه قم، سال ۱۳۸۲.

بیشتر تأکید این رساله در تبیین چگونگی صدور موجودات از خداوند و چگونگی صدور کثرات از واحد محض است. در فصل دوم این رساله، تنها برای روشن شدن دیدگاه کلی فلوطین، به بررسی مفهوم خدا، صفات و فعل او در نظام فلسفی فلوطین، همچون خیر محض بودن، واحد محض، فوق تمام، در حدود یک صفحه پرداخته شده است.

۴- افلوطین از نگاه ملاصدرا، نوشته پروین دالوند، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، رساله مقطع کارشناسی ارشد، این رساله در حال حاضر دفاع نشده و در حال اجراست.

و اما تحقیقاتی که در بررسی نظریات ملاصدرا در مورد صفات حق تعالی انجام شده، عبارتند از:  
۱- سلب و ثبوت در اسماء و صفات الهی (مقایسه میان نظریات ملاصدرای شیرازی و قاضی سعید قمی) نوشته محمد تقی کرمی قهی، دانشگاه تربیت مدرس، رساله کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی به راهنمایی دکتر محمد ذبیحی، سال ۸۰-۷۹.

در این رساله از بحث‌های مربوط به هر کدام از صفات، اجتناب شده است و تلاش شده است که مباحث عمومی صفات، مورد بحث و گفت و گو قرار گیرد. البته ثمره این بحث در بسیاری از مباحث از قبیل علم و قدرت و اراده باری تعالی تأثیر دارد.

۲- بررسی تطبیقی صفات الهی از دیدگاه ابن سینا، ملاصدرا و قاضی عبد الجبار معتزلی، نوشته اعظم ایرجی نیا، به راهنمایی دکتر مرضیه صادقی، رساله مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه قم، زمستان ۱۳۸۴.

این رساله به مقایسه آرا و نظریات این سه اندیشمند در باب صفات الهی پرداخته، اشتراکات و وجوه امتیاز آرای آنان را مورد بررسی قرار داده است به طوری که در بسیاری از موارد، نظریات این

سه متفکر به یکدیگر بسیار نزدیک است. این رساله تلاش می‌کند تا ترادف صفات، عینیت صفات با ذات و دیدگاه قاضی عبد الجبار، مبنی بر عینیت صفات با ذات یا نیابت آن را تبیین کند.

۳- بررسی مبانی و ادله فیلسوفان دین معاصر در باب اصل «بساطت ذات الهی» از دیدگاه حکمت متعالیه، نوشته معصومه نظران، به راهنمایی دکتر محمد سعیدی مهر، رساله مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۸۲.

این رساله به بررسی بساطت الهی از دیدگاه حکمت متعالیه پرداخته است که با نگاهی وجود شناسانه به صفات خداوند، مبانی معقول برای پذیرش نظریه بساطت را فراهم آورده است.

۴- بررسی مفهوم وجود شناختی صفت اراده الهی در حکمت متعالیه، نوشته علی رضا مصدقی حقیقی، به راهنمایی دکتر محمد سعیدی مهر، از دانشگاه تربیت مدرس، اسفندماه ۱۳۸۵.

این رساله، کوششی است جهت تحلیل مفهومی و وجودی صفت اراده در حکمت متعالیه که براساس توصیف و تحلیل، مجموعه احکام و اصولی که در این باب ارائه شده، شکل می‌گیرد.

۵- علم الهی از منظر شیخ الرئیس ابن سینا و صدرالمتألهین، نوشته رضوانه نجفی سواد رودباری، به راهنمایی دکتر احمد بهشتی، از مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، رساله مقطع کارشناسی ارشد، زمستان ۱۳۸۲.

در این پژوهش، علم واجب از نگاه دو فیلسوف بزرگ اسلامی، «ابن سینا» و «صدرالمتألهین» و کیفیت علم واجب به ذات خود و مخلوقات مورد بررسی قرار گرفته است.

لذا می‌توان ادعا کرد که پایان نامه حاضر با عنوان، صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت حق تعالی، نخستین پایان نامه‌ای است که به تفکیک به بررسی این صفات از دیدگاه فلوطین و ملاصدرا و مقایسه آرای این دو فیلسوف در این باب می‌پردازد.

### ۱-۳- هدف تحقیق

از آنجا که شناخت مبانی نظام فلسفی فلوطین ما را در شناخت عمیق‌تر نظام فکری صدرالمتألهین و در نهایت شناخت نظام فکری فلسفه اسلامی یاری می‌رساند، لذا در این طرح برآنیم تا شناختی عمیق و ریشه‌ای از اساسی‌ترین مسائل فلسفی که همان، صفات ذات وحدت، علم، اراده و قدرت است، به دست آوریم.

همچنین در این طرح به تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی ما بین این دو نظام فلسفی پرداخته خواهد شد، تا مشخص شود که ملاصدرا در کدام مواضع از دیدگاه‌های فلوطین بهره برده است و در کدام مواضع خود صاحب نظر بوده است. برای تحقق بخشیدن به این اهداف ابتدا نظریات و براهین